

نشریه ارگان ملی واجتماعی جوانان غور

مطابق می 2011

جوزا ۱۳۹۰

شماره پنجم

سال اول

هی میدان وطنی میدان تاپای منارجام



روز پنج شنبه ۲۲ / ثور / ۱۳۹۰ شماری از فرهنگیان و جوانان غور همراه با مجیب الرحمن عارض گرداننده برنامه « هی میدان وطنی میدان » در تلویزیون طلوع ، جهت تهیه گزارش و دیدار از ساحات باستانی به منطقه منارجام رفتند. این منار که در زمان سلطان غیاث الدین محمد سام غوری از سال ۵۷۲ تا ۵۹۱ خورشیدی به مدت ۹ سال اعمار شده ۶۳ متر ارتفاع دارد و یکی از آبدیه های بی نظیر جهان و از شاهکارهای مشهور معماری اسلامی به شمار می رود که از خشت پخته و یک نوع گِل مخصوص ساخته شده است.

گفته می شود منارجام یکی از دومناره مسجدی بوده است که در داخل شهر فیروز کوه پایتخت تابستانی غوریان قرار داشته و به وسیله سیلاب در همان زمان ویران گردیده است. هر چند از نوشته های کنونی منارجام ، مناسبت اعمار آن فهمیده نمی شود؛ اما موجودیت آیات بسیار قرآن مجید که در تزیین آن به کار رفته این گمان را تقویت می کند که ممکن است منار فعلی جام، در اصل مناره مسجد بوده است. منطقه جام که یکی از ساحات باستانی و گردشگری کشور ما می باشد ، در صورتی که تسهیلات لازم در آنجا مهیا گردد می تواند سالانه توجه جهانگردان بسیاری را به سوی خود جلب نماید. اما در شرایط کنونی، شاهراه اصلی که غور را به هرات وصل می کند و از پای منار می گذرد در حالت خیلی نامناسبی قرار دارد و دولت در باره بهبود وضعیت آن کدام اقدام مؤثری انجام نداده است. بی توجهی دولت و همکاران جهانی اش در مورد منارجام به حدی است که در حال حاضر مردم پای منار و سربازان نگهبان آن با ریسمان و گازک از این سو به آن سوی هریرود می روند و بازدید کنندگان از منار نیز چاره دیگری جز همین روش ریسمان کشی نمی توانند داشته باشند. حاجی عبدالرحمن از بزرگان منطقه می گوید که : « دولت کوچکترین توجهی به بازسازی و بهبود سرک منارجام ندارد.» او علاوه می کند که « مردم این منطقه در سالهای گذشته به رهبری مرحوم رئیس عبدالسلام خان با بیل و کلند و با نان خشک و آب سرد ، خودشان این شاهراه را از پای منار تا منطقه کمنج اعمار نمودند و مسیر غور- هرات را چندین کیلومتر نزدیک تر ساختند ؛ اما دولت و مؤسسات همکار، در بهتر شدن وضعیت شاهراه کدام همکاری ندارند.» او از رهبری ولایت و مقام های مسوول تقاضا می کند که در مورد بهبود شاهراه اصلی غور - هرات که تاثیر خاصی در وضعیت اقتصادی مردم غور دارد توجه نمایند و مردم منطقه را یاری رسانند. این در حالی است که یک پایه پُل موتر رو که در منطقه کمنج بالای دریای هریرود اعمار می شود، مدت سه سال است که نیمه کاره باقی مانده و دولت از شرکت پیمان کار کدام بازخواست و پرسان و سوالی نداشته است.

اگر تریاک در غور کشت شود پروژه ها تعطیل خواهد شد

انجنیر برما رئیس روابط استراتژیک و آگاهی عامه وزارت مبارزه با مواد مخدر ، وارد مرکز ولایت غور شده و با سرپرست ولایت در مورد پلان عملیاتی مباحثه نموده و چالش ها و راه حل ها را ارزیابی کردند. انجنیر برما رئیس هیأت اعزامی گفت : از زمانی که ولایت غور از بابت کشت تریاک ، زیر صفر قرار گرفته ، چند ملیون دالر امریکایی به این ولایت پروژه داده شده که شامل پروژه های مکتب، الحاقیه دارالمعلمین ، کلنیک ، سالون کنفرانس و تراکتور های زراعتی می باشد که یا تطبیق شده و یا در حال اجراست. موصوف علاوه کرد که اگر غور در سال ۱۳۹۰ جایگاه خود را در این باره از دست بدهد و کوکنار در آن کشت شود ، از امتیازات وعده داده شده محروم شده و باقیمانده بودجه پروژه های نا تمام ، داده نخواهد شد.

جَمْپ و جَوَل های رابطه جوانان و والیان

روابط جوانان ، تحصیلکردگان و فرهنگیان غور با والیان در سال های اخیر، قبض و بسط ها و سایه- روشن های گوناگونی داشته است. جوانان که غالبا در چوکات نهاد های جامعه مدنی و انجمن های فرهنگی فعالیت داشته اند ، خود را حامی و پشتیبان نظام و رکن رکن دموکراسی نوپای افغانستان می دانند و مسوولیت ملی و میهنی خویش می پندارند که از یک طرف با انتقادهای سالم و سازنده خود کجروی ها و کج فهمی های مسوولین را کاهش بدهند و از جانب دیگر در برابر مخالفین دولت و زورمندان و تفنگداران محلی ، از موقف حکومت و استحکام مبانی نظام دفاع نمایند. از آنجای که بسیاری از دولت مردان ما، به اصل اساسی عقلانیت انتقادی و نقش جامعه مدنی و رسانه ها در تحکیم نظام ، آگاهی و آشنایی چندانی ندارند ، انتقاد ها و تذکر های جوانان و فرهنگیان را که به نیت نیک و به هدف بهبود اوضاع ابراز می شود ، برنمی تابند و یا غلط درک می کنند و لذا گاهی روابط شان تیره می شود و آب ها یخ می زند. ادامه ▶ ۳



شورای وحدت بانوان تشکیل جلسه داد



شورای وحدت بانوان ولایت غور در مقر شورای ولایتی تشکیل شد. هدف از تشکیل جلسه تکمیل شدن اساسنامه این شورا و همچنین کسب آگاهی در مورد قانون منع خشونت علیه زنان عنوان گردیده است. در این قانون در باره خشونت علیه زنان، جزاها و کیفرهای مشخصی در نظر گرفته شده که مرتکبین به آن محکوم خواهند شد. اعضای شورای بانوان فکر می کنند که آگاهی از مواد این قانون در کاهش خشونت ها علیه زنان مؤثر خواهد بود و جلو تجاوزات و حق تلفی را تا حدود زیادی خواهد گرفت. شورای وحدت بانوان در این جلسه از دولت و رسانه ها نیز تقاضا کرد که در مورد آگاهی رسانی به مردم با این شورا همکاری باشند و در راه تحقق عدالت و تطبیق قانون تلاش نمایند.

USAID شهرداری چغچران را حمایت می کند

دفتر انکشافی ایالات متحد آمریکا، شهرداری چغچران را حمایت مالی می کند تا ظرفیت کاری آن ارتقا یابد. گفته می شود که این کمک ها در راستای بازسازی تعمیرات، سیستم کانالزسیون فاضلاب، آموزش کارمندان و استخدام مشاوران تنظیم گردد. در این ده سال اخیر، ظرفیت پایین اداره یکی از نقطه ضعف های همیشگی ادارات افغانستان شمرده شده که با تلاش های ازین قبیل، امید برده می شود که کارایی اداره کشور به سطح قناعت بخشی ارتقا نماید.

دیدار سناتور ها از غور

محمد اعلم ایزدیار نایب اول مجلس سنای شورای ملی چندی قبل، در رأس یک هیأت هشت نفری از نمایندگان مجلس سنا، وارد شهر چغچران (فیروزکوه) مرکز ولایت غور گردید. هیأت سنا در دیدار خود از این ولایت با مسوولین حکومتی، اعضای شورای ولایتی، جامعه مدنی، سران و بزرگان مردم، پیشه وران، اهل کسبه و شماری از مردم غور ملاقات و تبادل نظر داشتند. هیأت سنا در این سفر در مورد اوضاع امنیتی، روند بازسازی، حاکمیت قانون و حکومتداری خوب، با غوری ها گفت و گو کردند و پیشنهاد ها و دیدگاه های مردم را با خود به مجلس سنا و مسوولین دولتی انتقال دادند. به اساس گزارش های که رسانه ها از مجلس سنا به نشر سپردند خواسته ها و پیشنهادهای و نگرانی های مردم غور، در جلسات آن مجلس به بحث و بررسی گرفته شده و مشکلات مردم با وزارتخانه های مربوط، در میان گذاشته شده است. مردم امیدوارند که دیدار این هیأت بتواند در عرصه های مختلف به ولایت غور مفید و مثمر واقع گردد.



صحت نعمت بزرگ الهی است

ریاست ارشاد

دین مقدس اسلام در همه ابعاد زندگی بشر، مسایل را با حکمت و فلسفه بالغه در نظر گرفته و هدایات و راهنمایی های دارد که انسان می تواند در سایه ارشادات این آیین، عمل نموده و خود را به ساحل نجات برساند. از جمله مسایل مهم و ارزنده ای که اسلام به آن اهمیت بسزایی داده صحت و تندرستی است. چنانچه گفته اند: عقل سلیم در بدن سالم است. صحت و تندرستی نعمتی است که بدون آن انسان نمی تواند گامی را در مسیر خیر و فلاح برداشته و یا شخصیت خویش را به مقصود دلخواه خویش تبارز دهد. انسان مریض و یا معیوب نیازمند کمک دیگران می باشد. بنا بر این این موضوع باید در محراق توجه همگان قرار داشته باشد. روی این اصل دین مقدس اسلام به صحت، بهداشت و کلیه موضوعات مربوط، توجه جدی نموده است و بعد از ایمان، بزرگترین نعمت را برای بنده صحت و تندرستی ذکر نموده است. در ارشادات پیامبر بزرگوار اسلام می خوانیم: «ما أتی احدٌ بعد الیقین خیراً من معافات» آن حضرت در جای دیگر می فرماید: «از خداوند صحت کامل و تندرستی بخواهید، زیرا خداوند به هیچکس چیزی بهتر از صحت و تندرستی نداده است». آیات و احادیث بسیاری در مورد صحت و نظافت وجود دارد که فعلاً مجال پرداختن به آن مسیر نیست. اما بیابید روی مسایل صحت و نظافت یکبار چشم های خود را به داخل شهر چغچران باز نماییم و نگاه کنیم که در طرف سمت شمال کمیساری کهنه و هتل پامیر چند باب کنار آب کثیف با حوض پر از کثافات وجود دارد که بد بویی آن تمام ساحه را گرفته است و کس نمی تواند به طور راحت در آنجا تنفس نماید و در وقت گرمی تمام حشرات و مگس های گزنده انسان ها را مورد اذیت قرار می دهد و از مگس های گزنده انواع مرض های ساری به وجود می آید. تعمیرلیسه سلطان علاوالدین غوری محل دانش آموزان بوده و اطراف تعمیر آن را تماماً کثافات گرفته و در روزهای بارندگی و هوای گرم از بدبویی معلم چه گونه به اطفال معصوم درس بدهد؟ و شاگرد چه گونه با چنین هوای درس را به مغز خود جای بدهد؟ جای خیلی ها افسوس است که در این دیار نه شهردار کنترل دارد و نه ریاست محیط زیست فعالیت می کند. هیچ کس مسوولیت وطنی خویش را احساس نمی کند تا ازین کار جلوگیری نموده یا به کدام مرجع ذیصلاح شکایت نماید. موضوع دیگر مساله میوه فروشان شهر است که اگر کس از دکان های میوه فروشی بازدید نماید، خواهد دید که میوه های گندیده و کثیف در میوه فروشی ها ماه ها هفته ها نگهداری می شود و بیرل های نظیفاتی همه روزه از میوه های گندیده پر شده و بوی بد آن همه جا را گرفته است. درباره قصابی ها باید توجه لازم صورت گیرد. اطراف تعمیرمخابرات سابقه، که داخل شهر بوده نظافت آن در نظر گرفته شود. این ها مژمت نمونه خروار بود و آگه اگر به کثافات تمام جاهای شهرداری شود چشم بیننده را خیره خواهد کرد. در اخیر از تمام مردم شهر دعوت به عمل می آید که این شهر خانه مشترک همه ما است. باید در مورد نظافت و پاکی آن، همه تلاش نماییم و ادارات شهرداری، محیط زیست، صحت عامه و غیره باید مسوولیت خویش را ادا نمایند و از وضعیت شهر نظارت و بررسی نمایند و در مورد نظافت و پاکی و اهمیت آن از طریق رسانه ها تبلیغ نمایند.

سخن های از زبان بزرگان

تهیه کننده: سودابه پهلوی

- ❖ کسی که به امید شانس زنده باشد، سال ها قبل مرده است.
- ❖ از دست دادن امیدی پوچ و محال، خود موفقیت و پیشرفتی بزرگ است.
- ❖ امید دارویی است که شفا نمی دهد، اما درد را قابل تحمل می کند.
- ❖ زیاد زیستن کمابیش آرزوی همه است، اما خوب زیستن آرمان یک عده معدود.
- ❖ هرکس در جهان آرزویی دارد: یکی مال می خواهد، یکی افتخار و یکی زیبایی. اما به نظر من، یک دوست حقیقی از تمام اینها بهتر است.
- ❖ امید سربازی است که اگر ناپدید شود همه از تشنگی خواهیم سوخت.
- ❖ آرزو کردن شرط نیست، شرط تحقق آرزو است.
- ❖ تجربه نشان داده است شوق و حرارت مدیر بیش از شایستگی او مؤثر بوده است.
- ❖ به یاد آورید که طرف شما صد برابر بیشتر به فکر گمانها و آرزوهای خود می باشد تا اندیشه و گمانهای شما.
- ❖ آدمهای آرمانگرا زمانی که به نادرست بودن آرزویی پی می برند، برای ادامه آن پافشاری نمی کنند.

جمپ و جول ها ...

از زمان آمدن افضلی تا امروز که ولایت غور چهار تن از والیان را تجربه کرده است، رابطه جوانان و والی ها، اُفت و خیزها و گرمی و سردی های فراوانی را سپری کرده است. متأسفانه اما؛ هر والی که تازه به غور آمده، خیال کرده که جوانان تنها با او چنین سیاست و روشی را دنبال می کنند. در حالی که واقعیت چنین نبوده و در گذشته هم همین آب و همین کاسه بوده و همین جوانان و همین ماهنامه ها. برای اینکه رابطه جوانان و والیان در گذشته، کمی روشن تر شود، بیایید نگاهی بیندازیم به برخی از عناوین ماهنامه های جوانان در سالهای گذشته که نشان می دهد تمام والیان و مدیران با این نوشته ها و این مشوره ها و این انتقاد ها، دست و گریبان بوده اند و استثنای وجود نداشته است. به عناوین و تیترهای زیر توجه نمایید: «سرك های تاوخانه ای» (صراط المستقیم، شماره دوم، حوت ۸۴)، «چاپلوس یک و چاپلوس ۲»، «امور زنان یک كشكول و چهل قلندر» (صراط المستقیم، شماره دوم و سوم، سال ۸۴)، «دولت در چنگال و کیل و ارباب»، «فاصله ها عمیق تر می شوند»، «چندگپ صاف و پوست کنده» (فیروز کوه، شماره چهارم، سال ۸۷) «اداره، خانه رئیس نیست» «دفتر حقوق بشر بی خلطه فیرومی کند»، «تأمین امنیت جدیت می خواهد» (فیروز کوه، شماره هفتم سال ۷۶) «شهردار قلعه جنگی می سازد» (پیام مجاهد، شماره نهم، اسد ۸۶)

این عنوان ها به خوبی آشکار می سازند که لحن نشریات جوانان و همین طور سخنرانی ها و محافل شان همیشه باتمام والیان و مدیران یکسان بوده و پیوسته تلاش صورت گرفته تا از منافع مردم (از نظر آنها) دفاع شود و در برابر کجکاری ها و سهل انگاری های مسوولین صدایی کشیده شود و مقاله چاپ شود و یا سخنرانی ایراد گردد.

زمانی که افضلی والی غور تعیین شد، همین جوانان او را به دفتر بنیاد جوانان و تحصیلکردگان در «کوته سنگی» کابل دعوت کردند و حتا قبل از آمدنش به غور، به او اخطار دادند که باید به راه درست برود، در غیر آن با واکنش مطبوعاتی شدید جوانان مواجه خواهد شد. وقتی افضلی به غور آمد، انتقادها همچنان ادامه یافت. ارگان ملی جوانان، گروه هنری سام، ماهنامه فیروز کوه و صراط المستقیم، بارها با والی درگیر شدند. یکی از جوانان به نام امین در یک جلسه، در سالون جدید شهرداری که فعلا دفتر کابل بانک است مستقیما رو در رو به والی گفت که شما شش لک افغانی را در فلان مورد اختلاس کرده اید و اصلا در غور بازسازی وجود ندارد. والی با خون سردی و لبخند گفت که: «جوان عزیز! آن شش لک که می گویی لطفا سند و ثبوت خوده هم بیاور و بتین به ارگان های مربوطه. در مورد بازسازی، همین سالون که ما و تو داخلش هستیم و همین دکان های زیر پای ما خودش جواب تو ره می دهد. زنده باشی بسیار تشکر از انتقادات.» شب نامه های هم که آن زمان پخش می شد (و یک تعداد «آتش بیار» ها و فضول ها هم سعی می کردند موضوع را گاهی به گردن جوانان و تحصیلکردگان بیندازند) روابط را تیره تر می ساخت. با آن هم والی یک تعداد از فرهنگیان و جوانان را مانند استاد سنگر و کوشانی و کسانی دیگر به دور خود گرد آورد و حتا تلاش کرد که پای علی مشفق را هم از لعل به چغچران بکشاند و روابط را نیک و حسنه نگهدارد.

رابطه با محمد احمدی نیز با جوانان با همین افت و خیزها و تاریک و روشن ها همراه بود و انتقادها ادامه داشت. در آن زمان حتا در یکی از شبنامه ها نام توین آمیز و نامناسی بالای جناب احمدی گذاشته بودند که متأسفانه تا آخر میان مردم به همان نام شناخته می شد. در همان دوره بود که در یک تظاهرات در شهر چغچران به اثر فیرهای هوایی پولیس، یک تن متعلم شهید شد و رابطه جوانان و قوماندان امنیه وقت، آقای شاه جهان نوری به شدت آسیب دید. نوری در حالی که بر مبنای تجربه های شخصی خود، مناسبات بسیار نیکی با جوانان ایجاد کرده بود و حتا از پول شخصی خود به فرهنگیان، کتابخانه ایجاد کرده بود و می خواست جوانان را از بودجه دولت در همکاری با والی در یک سیر علمی به ولایات شمال ببرد. با تمام اینها رابطه ها خراب بود، تا اینکه به وساطت یک تعداد افراد، نوری جوانان را دوبار به کلوب قوماندانی دعوت کرد و «شب شعر» برگزار ساخت، محفل مثنوی خوانی آماده کرد و سرانجام توانست دوباره روابط را به حال عادی برگرداند.

سید اقبال منیب هم، هنگامی که به غور آمد تلاش کرد روابط خویش را با جوانان نیک و حسنه نگهدارد. او دوبار تمام جوانان و فرهنگیان را در منزل خویش گرد آورد و مصارف چند شماره ماهنامه فیروز کوه را به قاضی کریمی و عبدالوقار دانشیار، مسوولین آن وقت فیروز کوه، وعده داد و جوانان را در دیدار خویش از منار تاریخی جام، با خود به آنجا بُرد و سعی کرد مشوره های شان را همیشه با خود داشته باشد. اما روابط او نیز با تمام کوشش ها همچنان دچار صعود و سقوط ها و قُرب و بُعد های گوناگونی بود. داکتر عبدالله هیواد که به عنوان والی به غور آمد، در یک حرکت خوب، برای تعدادی از جوانان به اثر تقاضای برخی از محصلان کورس زمستانی آماده کرد و امیدواری های بیشتری برای جوانان به وجود آورد. دیری نگذشت که در یک دیدار مشورتی، تعدادی از فرهنگیان و قلم به دستان خواستند نظریات و دیدگاه های خیرخواهانه خود را با والی در میان بگذارند و دغدغه های خویش را از آدرس جامعه مدنی با جناب والی مطرح نمایند، اما ظاهرا دیدگاه ها و دغدغه های فرهنگیان مورد بی مهری ایشان قرار گرفت و جناب والی گفت که: «دوستان! اگر شما استاد دارالمعلمین هستید من استاد دانشگاه بوده ام، بیایید که همدیگر را درس ندهیم» با بیان این طرز فکر، جناب والی عملا توپ را به زمین حریف شوت کرد و چند روز بعد ماهنامه ۲۱ با نگارش مقاله به نام «جلد اول والی غور» تلویحا به آن گفته پاسخ داد. بعد از آن نیز دستکاری ها، کم لطفی ها و بی مهری های دیگری در مورد نشریات جوانان از سوی برخی از حکومتی ها انجام یافت و طبیعتا این مسایل به بهبود اوضاع کمک نکرد.

به هرحال آنچه مهم است این است که جامعه مدنی و نهادهای فرهنگی و مسوولین دولتی در حقیقت همه به یک راه روان هستند. همه می خواهند که پایه های نظام استحکام یابند، همه می خواهند که امنیت تأمین و صلح و آرامش در زندگی مردم جاری باشد. همه می خواهند در غور سازندگی باشد و همه می خواهند مردم در رفاه و آسایش به سربرند. هم دولت و هم نهاد های مدنی (به خصوص دولت) کارهای بسیاری دارند و مشکلات فراوانی دامنگیر شان می باشد. هیچکدام آنها بی نظمی و عقب ماندگی و فقر و بیچارگی غوری ها را دوست ندارند و هیچکدام شان نمی خواهند دست آوردهای ده ساله نظام از بین برود. پس خیلی بهتر خواهد بود که دولت و نهادهای مدنی به جای گرفتن گریبان همدیگر و چسپیدن به مسایل جزئی و سلیقه ای، تلاش کنند تا به کمک همدیگر و با تشریک مساعی، هر کس به اندازه توان و صلاحیت خویش در راه ترقی و آبادی غور محروم کوشش نمایند و در تغییر وضعیت زندگی مردم، مفید واقع شوند.

باغ سی آر. اس بر پشت موتر

محمد امین وکیل

هرچه به گندد نمکش می زند و ای ز روزی که بگندد نمک



مؤسسه CRS با سعی زیاد از دو سال قبل، ده ها هزار اصله نهال غیر مثمر را در کنار کانال عمومی پوزلیچ غرس نموده و در آنجا نگهبان و باغبان گماشته است و با تلاش بسیار از این نهال ها حفاظت نموده اند. به هرحال نهال ها قد بر افراشت و کلان شد. شاخ و برگ کشید و یک ساحه سبز، محیط زیستی را ایجاد نمود که الحق یک تلاش جانانه بود. از چندی به این سو شهرداری نازنین شهر فیروز کوه که از نخبه گان روزگار است، این ساحه را به ساحه تجارتي مبدل نمود و صد ها دکان توزیع نموده است. حالا ما شا الله، روزانه صد ها درخت را می برند و جایش را دکان می سازند. زمانی که من برای مراقبت کانال پوزلیچ آنجا رفتم، یک تعداد از این نهال های کنده شده را با خود به دفتر شهرداری آوردم. ساعت ۲ بود. تمام دفتر شهر داری بسته بود و کارمندان به میله پوزلیچ و یا به توزیع ساحات سبز رفته بودند. توسط تلفون به شهردار تماس گرفتم و جریان را برایش مو به مو حکایت نمودم؛ ولی جناب ایشان به بسیار خون سردی به من گفت که: ای بابا گمش کن. چندان اهمیت ندارد. چند نهال را بریده اند، دیگر نخواهند برید. من که بسیار احساساتی شده بودم، از این برخورد شهسوار شهر حیران ماندم. از فردای آن، باز برای تقسیم آب به پوزلیچ رفتم و دیدم که ساحه انکشاف یافته، اثری از آن درختچه ها وجود ندارد. یک زمین هموار ایجاد شده و عده خسته و مانده کار می نمایند. من باز هم احساساتی شدم. موتر را توقف دادم. نزدیک کارگران رفتم و خواهش نمودم که درخت ها را نبرند. یکی از ایشان که لنگی پشمی به سر داشت گفت: «او کا کا خودتو پریشان نکن. این کار شهر دار است، کار تو نیست ما به اجازه شهردار جنگل می بریم. گور مرده درخت ها و نهال ها. باش که هیچ درختی نباشد» من دیگر، چیزی برای گفتن نداشتم. از راه آمده بر گشتم. به داخل موتر خزیدم و فرار نمودم. سپس بسیار فکر کردم که جریان را به کی بگویم؟ به کدام مرجع بگویم؟ به خاطری که در این شهر هیچ کس حرف نمی شنود. لذا ناچار شدم به سایت جام پناه آوردم تا فریادم را از آن طریق به گوش اربابان زر و زور برسانم و اگر باز هم کسی نشنید از خوانندگان سایت التماس می نمایم که فریاد این جنگل را به گوش اولیای امور برسانند و از اینکه از ما نمی شنوند مایه تأسف ماست و من به شاه بیتی از حضرت حافظ خود را تسلی می دهم.

صد ناله و فریاد که کردم نشنیدی پیداست نگارا که بلند است جنابت

جواز ماهنامه ۲۱

جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت اطلاعات و فرهنگ

د اطلاعات و فرهنگ وزارت

ریاست عمومی نشرات

آمریت ثبت و صدور جواز رساله ها و موسسات

به دفتر محترم ارگان ملی و اجتماعی جوانان افغانستان دفتر ولایتی غور

جریده / ماه نامه زیرنام (۲۱) به امتیاز آن اداره محترم و مسوولیت محترم غلام نبی "اساقی" "

تحت نمبر (۳۰۱) مورخ ۲۱ / ۲ / ۱۳۹۰ به دفتر اسناد ثبت گردید.

آمریت ثبت و صدور جواز

ریاست عمومی نشرات

وزیر اطلاعات و فرهنگ

فارسی در پاکستان: از سرود ملی تا شرافت فرهنگی

عبدالحی سحر

براساس شواهد تاریخی، پیدایش و توسعه زبان و ادب فارسی در شبه قاره از لاهور پایتخت محمود غزنوی در در قرن چهارم هجری آغاز شد

زبان فارسی در شبه قاره جنوب آسیا حداقل هشت تا نه قرن سابقه دارد. در پاکستان که هم در عهد گسترش تمدن وسیع اسلامی در شبه قاره به وجود آمد تا قرن سیزدهم هجری، زبان فارسی به مدت هفت قرن دارای سوابق رسمی، علمی، ادبی، و اداری بوده است.

اکنون که بیش از نیم قرن از ایجاد پاکستان می گذرد، زبان فارسی موقعیت خود را در ادارات دولتی و همچنان در نظام آموزشی کم و بیش حفظ کرده است. به شعر حافظ شیراز می خوانند و میرقصند. سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

پیش از آنکه زبان انگلیسی در پاکستان نفوذ یابد، در شبه قاره طی قرن‌های متمادی صدها زبان و گویش وجود داشت که در این میان فارسی زبان آموزشی، علمی و اداری بوده، اما پس از سلطه خارجی در قرن سیزدهم هجری، این وضع به نفع زبان انگلیسی تغییر یافت و همچنان ادامه دارد.

هم اکنون صدها دانشکده در شهرها، شهرستان‌ها، بخش‌ها و بلوک‌های پاکستان دایر است که دارای کلاس‌هایی تا سطح کارشناسی ادبیات، علوم انسانی، طبیعی و ریاضی هستند و اگر در همه موسسه‌های آموزشی در سطح دانشکده‌ها مأمور تدریس فارسی شوند، هزاران دانشجو در بسیاری از دانشکده‌ها در شهرهای مختلف پاکستان زبان فارسی را به عنوان یک ماده درسی انتخاب خواهند کرد.

"غالباً مردم پاکستان در جریان گفتگو به زبان اردو، برای دلیل محکم در گفتار خود، شعر و یا ضرب المثل فارسی را شاهد می آورند"

محمد یوسف حسین، استاد زبان فارسی در دیپارتمنت فارسی دانشگاه پشاور، در مورد اهمیت زبان فارسی می گوید: تا رژیم نظامی جنرال ضیاالحق در سال در پاکستان، زبان فارسی در تمامی مدارس دولتی این کشور، تا کلاس هشتم تدریس می شد. ولی متأسفانه تاجایی که می بینم نه تنها تدریس زبان فارسی کاهش جدی یافته، بلکه زبان اردو نیز دارد به دست فراموشی سپرده شود.

یوسف حسین می گوید که زبان اردویی که فعلاً مردم پاکستان به آن تکلم می کنند، بیش از پیش با زبان انگلیسی گره خورده است. سرود ملی پاکستان به زبان فارسی ساخته شده و این زبان مادر زبان اردو محسوب می شود.

آقای حسین می گوید که زبان فارسی را می توان در شبه قاره هند، زبان اول اسلام محسوب کرد زیرا یکی از مهمترین رسانه‌های تمدن اسلامی در شبه قاره هند بوده است.

زبان پارسی ریشه‌ای بس کهن در پاکستان و هندوستان دارد و امروزه نیز در برخی ایالات همچون پشاور، پراچنار، شهر کوئته، فارسی‌گویان زیادی وجود دارند.

شعر و خط فارسی به زیبایی‌های تاج محل یکی از عجایب دنیا، در شهر اگر هندوستان افزوده است.

امروزه نوشته‌های فارسی زیادی بر دیوار شهرهای مختلف پاکستان قابل مشاهده است

در گوشه و کنار شهرهای مختلف پاکستان کتیبه‌ها و سنگ‌نشته و لوحه‌هایی به زبان فارسی به چشم می خورد، شعر خوانی و فارسی‌سرایي و به کارگیری ضرب‌المثل‌های فارسی از خصال برجسته مردم پاکستان است. غالباً مردم پاکستان در جریان گفت و گو به زبان اردو، برای دلیل محکم در گفتار خود، شعر و یا ضرب‌المثل فارسی را شاهد می آورند.

در حال حاضر در انجمن‌های ادبی از شهرهای مختلف پاکستان مجالس سخنرانی و شعرخوانی فارسی هفتگی و با ماهانه برگزار می شود که در آن از کشورهای فارسی‌زبان اشخاص و افراد دعوت به عمل می آید.

تلویزیون حکومتی پاکستان، شب‌های جمعه بزم عزل‌خوانی فارسی را به نمایش می گذارد که هنرمندان آهنگ‌های فارسی و غزلیات فارسی را می خوانند.

تداول زبان فارسی و شمار فارغ‌التحصیلان پاکستانی در رشته زبان و ادبیات فارسی بیشتر از همه کشورها ست. تا دو دهه پیش آموزش زبان فارسی در پاکستان از نیمه دوره دبیرستان آغاز و تا دوره دانشگاه ادامه داشت.

بر علاوه شاعران و نویسندگان فارسی‌پاکستانی، در حال حاضر، شماری زیادی از سیاستمداران و سیاستمداران و هنرمندان آوازخوان در پاکستان وجود دارند که به زبان فارسی صحبت می کنند.

"تلویزیون حکومتی پاکستان، شب‌های جمعه بزم عزل‌خوانی فارسی را به نمایش می گذارد"

قاضی حسین احمد سابق رهبر جماعت اسلامی پاکستان، مولانا فضل‌الرحمن رهبر جمعیت اسلامی پاکستان، جاوید هاشمی معاون حزب مسلم لیگ در پاکستان و همچنان افراسیاب ختک رهبر عوامی نیشنل پارتی، و خانم بیگم نسیم ولی و شماری زیادی از سیاست‌دانان شاعران و روزنامه‌نگاران در پاکستان به خوبی می توانند به زبان فارسی تکلم نمایند.

به همین ترتیب آوازخوانان غزل‌سرای مشهور پاکستانی هستند که ده‌ها آهنگ فارسی اجرا کرده‌اند: شهشهانه غزل، مهدی حسن، غلام‌علی، اقبال بانو، خانم فریده سیدی، نصرت فتح‌علی خان، غلام فرید صابری، میا عزیز، خانم پروین، خانم ماه جبین قزلباش و ده‌ها آواز دیگر را می توان یادآور شد.

علامه اقبال لاهوری که شهرت شاعر مشرق دارد در یک شعر فارسی خود چنین می گوید: چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما ای جوانان عجم جان من و جان شما / حلقه گرد من زیند ای روشنان آب و گل / آتشی در سینه دارم از نیاکان.

سارنوال استیناف ولایت در گفت و گو با ۲۱:

دست‌کسانی در فساد آلوده است که در هرم قدرت قرار دارند و حمایت می‌شوند



ماهنامه ۲۱: جناب سارنوال صاحب‌ضمن معرفی مختصرتان، لطفاً نظر تان در مورد فساد اداری بفرمایید. آیا فساد به باور شما کاهش پیدا نموده یا افزایش یافته است؟

سارنوال: اینجانب سارنیار گل احمد حیدری از ۱۳۸۹/۴/۲ بر مبنای لزوم دید لوی سارنوالی (دادستانی کل) جمهوری اسلامی افغانستان به صفت رییس سارنوالی استیناف ولایت غور ایفای وظیفه می‌نمایم. فساد اداری یک پدیده منفی و خلاف اصول و پرنسپ‌های اداری هست که کشور را به طرف بی‌ثباتی و تباهی سوق می‌دهد و اکثر دست‌کسانی در فساد آلوده است که در رأس هرم قدرت قرار دارند و از چینل (کانال)‌های مختلف تحت نام‌های گوناگون مورد حمایت قرار می‌گیرند. استراتژی ما، راجع به فساد اداری مشخص و واضح است. ما، در راستای محو و نابودسازی این عمل شنیع، دست به کارهستیم و روی یک پلان منظم پیش می‌رویم. توقع ما از ارگانهای کشفی و امنیتی، خاصاً مردم شریف غور این است تا مطابق هدایت ماده ۱۳۴ قانون اساسی کشور، هر نوع اسناد و مدارکی که در مورد ادارات دولتی و غیردولتی به دست می‌آورد یا برمی‌خورند به سارنوالی اطلاع بدهند، تا کسانی که دست به چنین اعمال می‌زنند و حقوق هزارها یتیم و صغیر و بیوه زن را تلف می‌نمایند، مورد تعقیب عدلی قرار گرفته و به کیفر اعمال‌شان برسند و باعث پند خود و عبرت دیگران گردند.

ماهنامه ۲۱: آیا در مورد کارهای سارنوالی گاهی از جانب برخی متنفذین و یا مقامات حکومتی اعمال نفوذی هم صورت می‌گیرد یا خیر؟

سارنوال: یقیناً. جامعه ما یک جامعه قبیله‌گرا و قوم‌گرا است و تبعاً خواهش‌های قانونی و غیرقانونی از طرف برخی‌ها صورت می‌گیرد؛ اما سارنوالان با استقلالی که قانون برای‌شان داده و بادرک مسوولیت‌ایمانی و وجدانی و با در نظر داشت اسناد و مدارک و شواهد، قضایای جرمی را به شکل بی‌طرفانه طی مراحل می‌نمایند و هیچ‌گاهی به هیچ‌کسی اجازه داده نمی‌شود که برخی از حلقات خواهش‌های خود را بالای اجراءات سارنوالی بقبولانند.

ماهنامه ۲۱: جناب سارنوال صاحب! روابط شما با دیگر نهادهای عدلی و قضایی چه گونه است؟

سارنوال: سعی و تلاش ما همیشه این است که با تمام ادارات دولتی به ویژه مقام ولایت، ریاست محاکم، سارنوالی امنیت داخلی و خارجی، قوماندانی امنیه و ریاست امنیت ملی که باهم از نظر وظیفوی سر و کار داریم، روابط حسنه داشته باشیم. در صورتی که کدام مشکل در راستای کاری وجود داشته باشد بر مبنای قوانین نافذ کشور، با تفاهم و مشوره رسیدگی قانونی صورت می‌گیرد. در بعضی موارد یک سلسله‌خاها و نواقص در دوسیه بندی و ترتیب دوسیه (پرونده)‌ها در مرحله کشف، وجود دارد که مطابق هدایات قوانین، قرار رسمی به پولیس عدلی صادر می‌گردد.

ماهنامه ۲۱: شما می‌دانید که یکی از وظایف سارنوالی نظارت و بررسی از امور اداره‌های دولتی می‌باشد، شما در مورد فساد اداری و رشوت تا حال کدام کارمند دولتی را به پنجه قانون سپرده اید؟

سارنوال: بلی. یکی از وظایف اساسی و مهم سارنوالی در کنار نظارت و بررسی از تطبیق فرامین ریاست جمهوری و مصوبات شورای وزیران و تنفیذ و تطبیق حکم محاکم بالای مجرمین؛ نظارت از کارکردها و اجراءات ادارات دولتی است. در رابطه به مبارزه با فساد، تا اندازه کارهای صورت گرفته و علیه یک تعداد افراد از کارمندان ادارات دولتی اقامه دعوی شده و تعقیب به محکمه شده‌اند. اما این بسنده نیست و باید کارهای زیادی انجام شود. ما پلان اجرایی روی دست داریم که به کمک خداوند و حمایت شما رسانه‌ها و جامعه مدنی، بتوانیم کسانی را که دست‌شان به بیت‌المال آلوده است و ازین طریق صاحب‌بلند منزل شده‌اند به میز محاکمه بکشانیم.

ماهنامه ۲۱: جناب سارنوال صاحب به ماهنامه ۲۱ اگر کدام پیام و گفتنی داشته باشید، در خدمت تان هستیم.

سارنوال: از ماهنامه ۲۱ و دوستانی که در آن کار می‌کنند اظهار تشکری می‌نمایم. امیدوارم شما هم با درک مسوولیت وظیفوی، در مورد کمی و کاستی‌ها مبارزه‌ایمانی و وجدانی خویش را ادانمایید و انتقادهای پیشنهادی سازنده خویش را به گوش مقام‌های بلند پایه دولتی برسانید تا جامعه ما ازین نابسامانی‌ها به طرف امنیت، ثبات و قانونیت سوق داده شود. حرف دیگر من متوجه همه ملت غور و غوری‌ها اعم از تحصیلکردگان، علما، منتفذین، قوماندانان و طبقه دانشمند این است که با هر نوع پدیده جرمی که شرعاً و قانوناً جرم پنداشته می‌شود، اگر رو به رو می‌شوند، مستقیماً از طریق تلفون یا اطلاعیه، سارنوالی را در جریان قرار دهند. سارنوالی یک همکار و منعیث یک حمایت‌گر در راستای تطبیق قانون و تامین عدالت در کنار شما خواهد بود تا به کمک شما بزرگواران بتوانیم جلو هر نوع عملی را که خلاف قانون و کرامت انسانی باشد بگیریم و وظیفه وطنی و ایمانی خویش را ادانماییم.



وکیل صاحب!

چطو خوابی که بیداری نداری؟

نسیم سرمری دانشجوی سال چهارم در دانشگاه کابل

بعد از گذشت انتخابات شورای ولایتی درغور، ناامنی ها و بی بندوباری هایی غیرقابل تحمل به چشم می خورد و روز به روز گسترش می یابد. این درحالی است که مردم صادق غور هنوز هم منتظر وعده های کسانیه هستند که قبل از انتخابات، در راستا های گوناگون با ایشان سخن هایی گفته بودند اما؛ متاسفانه آن عده اشخاص که لاف های بسیاری می زدند، با گذشت تقریباً دو سال از انتخابات هنوز هم طلوع نکرده اند و یا به چانس بد مردم ما، هوا ابری است.

ناپدید شدن آن ها نشان دهنده ی این است که گفتار و کردار آنها باهم در تضاد قرار داشته و به قول معروف ایشان فقط آب را با هاون می کوبیدند و سایه را باشمشیر قطع می کردند. تجربه ثابت ساخت که آنها برای رسیدن به یک زندگی راحت، هر نوع گفتار و کردار را جایز می دانستند. رسیدن به قدرت نه برای راحتی است و نه هم برای خوردن و خوابیدن.

علامه اقبال لاهوری هم در مورد اشخاصی که تحرک ندارند می گوید: «موجیم که آسودگی ما عدم ماست / ما زنده برآئیم که آرام نگیریم.» البته باید گفت که در بین و کلا شخصیت هایی هم است که تا حد توان فعالیت هایی ملموسی انجام داده اند، متن موجود متوجه آن عده اشخاص است که همیشه گم هستند. می خورند و می خوابند و باز گم می شوند.

در روز انتخابات همه ما به عنوان شهروندان غوری به شوق و ذوق کامل، به امید اینکه چهره هایی نو، نسبت به اشخاص گذشته کارآمدتر است، به پای صندوق هایی رای رفتیم اما؛ بدبختانه حالاً نمی دانیم اشخاصی که برای شان رای دادیم کجا هستند و چه می کنند؟ نه سخنرانی شان را شنیده ایم و نه هم مصاحبه شان را با رسانه هایی دولتی و غیردولتی دیده ایم، اینجاست که یاد آدم ازبیت شیرین جناب بزرگوار استاد فضل می آید که می گفت: «از فلانی خان سابق تا فلانی خان حال / اینقدر فرق است از... تا ...»

اشخاصی که صدای کمپاین شان پرده گوش فلک را به اهتزاز در آورده بود. امنیت ورد زبانش بود، شعارش خدمت به مردم بود، کجا هستند؟ آن جناب نامردانه با لباس دوست؛ هم مرا گپ داد هم تورا، هم پیران را فریب داد هم جوانان را، هم خرد را بازی داد هم کلان را و وطن را با هموطن گول زد، حالاً نه تو میدانی کجاست نه من، خودش و عکس هایش را هم تو گم کردی، هم من و هم تاریخ. مطمئن باش که انترنت را هم به تحیر انداخته، با این همه نامردی ها و دروغ بافی ها چه باید کرد؟ آیا دست را روی دست گذاشته بگویم خیراست، خدا هدایت شان کند؟! همین!؟

حالا می خواهم صریح و شفاف صحبت کنم چون آب از سر گذشته و ظرفیت برای انتظار چرند و پرند و دروغبافی هایی تکراری هم نمانده، گپ دادن ها هم بسیار زیاد شده و خوشبختانه به آخرین مرحله صعودی رسیده و کم کم شکل نزولی را بخود می گیرد و انشاء الله به زودی سقوط خواهد کرد چرا که مقوله معروفی است که: «بار کج به منزل نمی رسد.»

همشهری عزیز! مرا عقیده بر آنست که دست ها را روی دست یکدیگر بگذاریم و در مورد اشخاصی که حرکت ندارند دست به کار شویم، اگر به خواب افریقای رفتند بیدارشان کنیم، اگر به علل نامعلوم گم شدند به برنامه ی گم شده گان زنگ بزنیم. بالاخره مکروسکوپ را بگیریم و به قول ایرانی ها هر جور شده پیدایشان کنیم و با بلند گو به گوش شان فریاد بزنیم، که جناب به وعده هایت عمل کن و بگویم که جناب! چطو خوابی که بیداری نداری؟ و بگویم که بزرگوار! دیروز دشوار بود، امروز فرصت طلایی است، فردا ناوقت خواهد شد؛ یادت باشد که به سال ۲۰۱۴ کشورهایی کمک کننده از افغانستان بیرون می شوند، تو بی خبر با این اندیشه هایی متروک مردود مفلوک خود چه وقت شور می خوری؟ چه وقت به خاطر بازسازی فریاد میزنی؟ وقتی که تمویل کننده ها از افغانستان بیرون شدند؟ با کدام اقتصادت؟ با کدام منبع درآمدت؟ گاهی هم درین مورد فکر کردی؟ ...

مقابل کسانیه که به تو رای دادند و انتظار خدمت هم دارند، چه جواب قانع کننده ی داری؟ در بخش معارف که اساس تمدن است چه دست آوردی داری؟ به کناردریای خروشان هریرود راه می روی در مورد برق چه آوازی کشیدی؟ درباره سرک مرکزی با نمایندگان بامیان و هرات صحبت کردی؟ درباره قیرریزی سرک های مرکز غور سخنی راندی؟ در مورد شفاخانه و کلینیک که ضرورت اولیه است با مقامات مربوطه صحبت کردی؟ بخاطر تعلیم و تربیه برای بلند بردن سطح دانش کدام پیشنهاد دادی؟ کدام کاربزرگ کردی که مردم متوجه آن نشده باشند؟ همه می دانیم، جواب همه سوال ها «نه» است، پس با این همه نه! نه! نه!... با تو، به کجا خواهیم رسید؟ از کجا کنیم گردابی که این همه نه! را بیاندازیم تا غرق شود؟

جناب وکیل صاحب! تو دانی و خدا اگر تو بودی با بوجی قدرت و ثروت و شان و شوکت با این همه نه! نه! نه!... چه می کردی؟ هیچ! پس عامل اصلی به وجود آورنده ی این همه نه! خودت هستی، نه شخص دیگری، لذا باید این گره را هم خودت باز کنی و پاسخگو باشی مقابل مردمی که به تو اعتماد کردند و رای دادند.

PRT چنچران به خاطر گسترش پروسه واگذاری به فعالیت های خود ادامه می دهد

تیم بازسازی ولایتی، چنچران

رئیس جمهور کوزی به تاریخ ۲۱ مارچ، اولین مرحله روند برنامه انتقال امنیت به جمهوری اسلامی افغانستان را اعلام کرد. طبق برنامه، مناطق ذیل شامل مرحله اول برنامه واگذاری می باشند: ولایات پنجشیر، بامیان، شهر کابل (منهای والسوالی سروبی)، لشکرگاه (ولایت هلمند)، هرات (ولایت هرات)، مزارشریف (بلخ)، و مهترلام (ولایت لغمان). مسوولیت سرتاسری امنیت در ساحات متذکره متعلق به نیروهای امنیتی ملی افغانستان می باشد. پروسه انتقال امنیت، توسط جامعه بین المللی حمایت گردیده و به طور گام به گام انجام خواهد شد.

لیتوانیا عضوی از ناتو بوده، و ناتو مصمم است که انتقال مسوولیت امنیت در تمام افغانستان به نیروهای امنیتی ملی افغانستان تا آخر ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) سپرده خواهد شد. برای انجام این عمل و به خاطر تامین امنیت برای مردم افغانستان، ناتو باجدیت افراد نیروهای امنیتی ملی افغانستان را آماده می سازد. انجام این پروسه برای کشور یک اقدام چشمگیر خواهد بود. تحویل امنیت یک چالش است، اما ما به اهداف مشترک خود نایل خواهیم گردید. البته ولایت غور هم بخش ازین برنامه گسترده است.

برای خروج نیروهای لیتوانیا از ولایت غور کدام برنامه و یا وقت معینی در نظر گرفته نشده است. زمانی که این موضوع به میان بیاید، به طور دقیق همراه با ناتو و حکارانی چون مقامات ولایتی جمهوری اسلامی افغانستان هماهنگی صورت خواهد گرفت.

اکیداً می نگاریم که: برای خروج نیروهای لیتوانیایی از ولایت غور یا افغانستان کدام برنامه یا مباحثه ای جریان ندارد. برداشت دولت لیتوانیا چنین است که ولایت غور از ثبات و امنیت نسبی برخوردار بوده، و لذا موقع خوبی است که بالاخره به پروسه انتقال امنیت که ممکن به اواخر ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) انجام شود اشتراک کند. به هرحال به خاطر انجام این پروسه کدام وقت دقیق تعیین نشده است.

بسیاری پروژه های انکشافی و ساختمانی در حال اجرا و آماده اند. اینها توسط رهبری تیم بازسازی ولایتی لیتوانیا در ولایت غور نظارت می شوند. همه می دانند که انکشاف یک پروسه طولانی بوده، و تهدات لیتوانیا و جامعه بین المللی با انتقال مسوولیت به نیروهای امنیتی افغانستان تمام نشده و همچنان ادامه دارد. تیم بازسازی ولایتی چنچران به تعقیب درخواست جمهوری اسلامی افغانستان ایجاد شده. ما در اینجا میهمان هستیم و فقط تا زمانی که از ما استقبال صورت گیرد باقی می مانیم. وقتی که زمان ترک پی آر تی فرا رسید، ما امیدواریم که با وقوع این عمل مردم ولایت غور احساس مثبت کرده و از صلح و امنیت مطمئن باشند.

فعالیت های و اسادر ولایت غور



موسسه خدمات اجتماعی زنان افغانستان (واسا) که یک موسسه داخلی و افغانی می باشد با حمایت مالی پروژه استیپ دفتر محترم بین المللی کانتراپارت، مدت دو سال می شود که باهماهنگی مسنولین و ادارات دولتی در ولایت غور به ولسوالی های لعل و سرچنگل، دولتیار و مرکز چنچران فعالیت دارد. هدف اساسی فعالیت های این موسسه آگاهی دهی و بلند بردن سطح دانش مردم درباره موضوعات ذیل می باشد:

- ۱) اسلام ودموکراسی.
- ۲) شورای ملی (پارلمان)
- ۳) قوه اجراییه (حکومت)
- ۴) قوه قضائیه
- ۵) انتخابات
- ۶) زن وجامعه مدنی

واین پیام ها به شکل جلسات روزانه برای مدت حد اقل دو ساعت برای همه مردم (شوراها، علما، جوانان، زنان، اقلیت های قومی و معیوبین) دایر می گردد. مردم ولایت غور علاقه مندی زیاد درین برنامه های آموزشی دارند و در هر جلسه ای، کارمندان این موسسه اضافه تر از صدها نفر شرکت می کنند.



سوار و سبز و سبکخیز

استاد غلام حیدر یگانه

بهار، ساده و لبریز، عین جوغالک
سلامت و سحر آمیز، عین جوغالک
بلیغ و نادره و روی باز و بی تهמיד
بدیع و وسوسه انگیز، عین جوغالک
عزیز و رفتنی و کامگار و بی پروا
بزرگ و کامل و بی چیز، عین جوغالک
رسید بی روش خاک و مسلک افلاک
بدون تهمت و تبعیض، عین جوغالک
به بی خیالی بره، جوید هوشم را
تمام هست مرا نیز، عین جوغالک
در ابر غوطه زد و عطر و شیر و شهد آورد
به عید و قند و قنایز، عین جوغالک
کرانه های پس از برف، فطرتی دارند
غریب و پاک و سخن ریز، عین جوغالک
گذشت از افق شهر، خیل لکلک، باز
بلند و خاطره انگیز، عین جوغالک
نشست و تند سفر کرد و چست باز آمد
سوار و سبز و سبکخیز، عین جوغالک

یادآوری: این ستون به فعالیت های وکلای مردم غور در پارلمان کشور اختصاص دارد که در هر شماره فعالیت های یک وکیل انعکاس خواهد یافت.

فعالیت های پارلمانی سیما جوینده!

خانم سیما جوینده نماینده مردم غور در مجلس نمایندگان که یکی از نمایندگان فعال مردم غور می باشد، همیشه صدای مردم غور در پارلمان بوده شب و روز برای خدمت گزاری به مردم در تلاش می باشد. جوینده در اولین کار پارلمانی خود با رییس جمهور کرسی دیدار نمود و روی عملی شدن وعده های رییس جمهور در زمان انتخابات به غور گفت و گونمود. او مشکلات و خواسته های مردم را با رییس جمهور در میان گذاشت و خواستار توجه وی به باسازی غور گردید. جوینده که یکی از علاقه مندان رشد معارف می باشد، چندین بار با وزیر معارف دیدار نمود ودر مورد، معلم مسلکی، لوازم درسی و مسدود بودن مکاتب و اداره ضعیف، خواهان توجه جدی شد. همچنان نامبرده با وزیر اطلاعات و فرهنگ همراه با عده ای از نمایندگان غوری تبار دیدار نمود و از تخریب آثار باستانی، غارت آثار تاریخی و نبود کتابخانه، چاپ خانه و نبود مرکز تعلیمی برای جوانان سخن گفت و اظهار داشت که اگر در این باره توجه نشود مشکلات بیشتر خواهد شد. وزیر اطلاعات و فرهنگ پذیرفت که هیچ گونه کاری انجام نشده و وعده ایجاد یک موزیم و یک کتابخانه را داد. وکیل جوینده که پیشرفت غور را در اعمار بند برق می داند در تلاش جدی می باشد که در ولایت غور بند برق اعمار گردد. او چندین مرتبه با وزیر انرژی و آب ملاقات داشت و از موجودیت آب فروان و نبود امکانات سوخت در غور سخن گفت. سرپرست انرژی و آب وعده داد که امسال به هر قیمتی که شده کار آن را آغاز می نمایم. جوینده به خاطر گرفتن پروژه های باسازی در بودجه سالانه بحث و گفت و گو نموده خواهان توازن بودجه در تمام ولایت گردیده. وی همچنان با معین وزارت تحصیلات عالی به خاطر حل مشکل محصلان غور و همین طور با وزیر انکشاف دهات به خاطر گرفتن پروژه های انکشافی در قریه های غور دیدن نمود. جوینده با وزیر کار و امور اجتماعی به خاطر زمینه کاریابی و اضافه شدن تشکیل دارالایتام و با سفیر یونسکو به خاطر حفظ آثار فرهنگی غور ملاقات های داشت. جوینده همیشه در پارلمان صدای مردم غور بوده و همیشه از مردم غور و حقوق شان دفاع می کند.

اسپنتا: با آمریکا پیمان می بندیم، با همسایه ها مشورت نمی کنیم

منبع بی بی سی

آقای اسپنتا گفت، افغانستان در مورد روابط خود با آمریکا مستقلانه تصمیم می گیرد.

رنگین دادفر اسپنتا، مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری افغانستان گفته است که کشورش در نظر ندارد در مورد امضای پیمان استراتژیک با آمریکا، با کشورهای همسایه مشورت کند. آقای اسپنتا که در جلسه عمومی مجلس نمایندگان افغانستان صحبت می کرد گفت کشورهای همسایه افغانستان "حق و توی" این پیمان را نخواهند داشت. او گفت، آنچه برای افغانستان اهمیت دارد، منافع ملی این کشور است که باید در پیمان استراتژیک با آمریکا تضمین شود. این اظهارات در حالی صورت می گیرد که کشورهای همسایه افغانستان، آشکارا نگرانی خود را در مورد تصمیم افغانستان به امضای پیمان استراتژیک با آمریکا ابراز کرده اند.

جزییات این پیمان هنوز در اختیار رسانه ها قرار نگرفته است، اما گفته شده که ایجاد پایگاه های دائمی آمریکا در افغانستان، یکی از بندهای اصلی سندی خواهد بود که قرار است به امضا برسد. اگرچه وزیر دفاع افغانستان گفته است که ایجاد این پایگاه ها به سود امنیت و ثبات افغانستان خواهد بود، اما این طرح در درون حکومت افغانستان نیز با مخالفت برخی از وزرای کابینه روبرو شده بود. نگرانی مشابهی در میان اعضای مجلس نمایندگان افغانستان نیز وجود داشته است و همین موضوع سبب شد زلمی رسول، وزیر خارجه و رنگین دادفر اسپنتا، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور به مجلس فرا خوانده شوند.

آقای اسپنتا به اعضای مجلس گفت: "می خواهم تاکید کنم تا زمانی که مدیریت گفتگوها را من برعهده داشته باشم، هیچ حق و تویی به هیچ یک از کشورهای همسایه داده نخواهد شد."

او افزود: "به این مینا، اگر منافع افغانستان ایجاب کند، ما باید با کشورها هم پیمان استراتژیک شویم، و اگر منافع افغانستان و امنیت افغانستان ایجاب نکند، باید نشویم. این تصمیم به دست حکومت مستقل افغانستان و تأیید آن به دست نمایندگان محترم مردم است."

پاکستان و ایران، در جمع همسایه های افغانستان هستند که نگرانی خود را نسبت به امضای پیمان استراتژیک میان افغانستان و آمریکا ابراز کرده اند.

محمد مصطفی نجار وزیر داخله (کشور) ایران اخیرا در سفری به کابل گفت که این پیمان به بی ثباتی منطقه دامن خواهد زد.

همچنین جاوید لودین معاون امور سیاسی وزارت خارجه افغانستان اخیرا بعد از بازگشت از ایران به بی بی سی گفت، موضع کشورش را در مورد پیمان استراتژیک با آمریکا به ایران توضیح داده است.

آقای لودین گفت ایران با توجه به مشکلاتی که با آمریکا دارد، از امضای پیمان استراتژیک بین آمریکا و افغانستان نگران است.

اخیرا نخست وزیر پاکستان که در راس یک هیات بلند پایه متشکل از وزرای کابینه و مقام های ارتش کشورش به کابل سفر کرد بود، خواستار روابط استراتژیک و همکاری های بلند مدت نظامی بین افغانستان و پاکستان شد. براساس یافته های بی بی سی در این سفر یوسف رضا گیلانی با ایجاد پایگاه نظامی آمریکا در افغانستان مخالفت کرده و افغانستان را به ایجاد پیمانهای مشابه با کشورهای همسایه تشویق کرده بود اگرچه دولت افغانستان بارها گفته است که روابط این کشور با آمریکا، به زبان هیچ کشور سومی نخواهد بود، اما ایران و پاکستان، بنا بر دلایل مختلفی، از حضور دراز مدت آمریکا در منطقه نگران هستند. از همین رو ایران بعد از کشته شدن بن لادن در پاکستان توسط نیروهای آمریکایی اعلام کرد که دیگر بهانه ای برای حضور نظامی غرب و آمریکا در افغانستان باقی نمانده است.



نام ۲۱

سید علی مشفق

هم قرن و هم تمدن ما نام ۲۱

زیباست رنگ و چهره کلفام ۲۱

در صفحه صفحه، قصه و طرح حدیث نو

پر، از می و مطالب نو، جام ۲۱

نسل جوان به حلقه خود طرح نو زند

از سرد و گرم و پخته و از خام ۲۱

اندیشه ها که می چکد از فکر اهل دل

پوشد لباس سبز، به اندام ۲۱

هر نسخه و شماره وی یک سبد غزل

می ریزد از دریچه و از بام ۲۱

در آسمان نشریه ها ماندگار تر

یک کهشکشان ستاره به هر شام ۲۱

راه و روش کار او علمی و حرفه ای

سنجیده و حساب شده، کام ۲۱

آغاز او صلابت و اندیشه و هنر

سبز و سلام و ساده سرانجام ۲۱



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

دفتر ولایتی غور

مجاهد کیست و جنگ سالار کدام است؟

جنگ سالار کسی است که:

۱. برای اغراض و اهداف شخصی و گروهی می جنگد.
۲. از نام اسلام سواستفاده می کند.
۳. بیت المال را تاراج و دارایی عامه را غصب می کند.
۴. سلاح خود را وسیله آزار و اذیت مردم قرار می دهد.
۵. امنیت را از مردم سلب می کند و موجب تداوم جنگ و کشتار مردم بی گناه می شود.
۶. به مال، جان، حیثیت و ناموس مردم تجاوز می کند.
۷. متکبر، مغرور، احساساتی، بی حوصله و بد زبان است.
۸. از او همه متنفر و گریزان اند.

مجاهد کسی است که:

۱. در راه خدا جهاد می کند.
۲. به نفع اسلام و مردم خدمت می کند.
۳. از بیت المال و دارایی عامه حراست و از سواستفاده جلوگیری می کند.
۴. از سلاح برای دفاع از دین، وطن و مردم استفاده می کند.
۵. برای امنیت و استقرار صلح شب و روز تلاش می کند.
۶. از مال، جان، حیثیت و ناموس مردم دفاع می کند.
۷. از لحاظ اخلاقی، متواضع، حلیم، با حوصله و خوش صحبت است.
۸. همه او را دوست دارند و مجاهد در قلب مردم جای دارد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بر این باور است که:

۱. هیچ فرد یا گروهی حق ندارد از عنوان جهاد سواستفاده نموده، جان، مال و ناموس مردم را مورد تعرض و تجاوز قرار دهد.
۲. هر گاه شخصی، گروهی و یا سازمانی مورد انتقاد و اعتراض قرار می گیرد اعمال و رفتارهای کنونی آنها مورد نظر است نه گذشته آنها، بنابراین اگر کسی در گذشته مجاهد بوده ولی اکنون با استفاده از زور و اسلحه خود حقوق مردم تعرض قرار می دهد، اکنون مجاهد نیست بلکه جنگ سالار است و باید با او به عنوان یک جنگ سالار برخورد شود.
۳. اطلاق عنوان جنگ سالار برای مجاهد اهانت به اسلام و جهاد است ولی اهانت بزرگتر این خواهد بود که جنگ سالار و تفنگ سالار را مجاهد بنامیم.

لعل و سر جنگل دروازه شرقی ولایت غور

سید علی مشفق

یکی از ضروریات امروزی نسل جوان ما غوری ها، آشنایی همه جانبه از تمام ولایت غور می باشد. در رابطه به وضعیت تاریخی غوریان در امتداد تاریخ و گذر زمان، کتب و نوشته های از شخصیت ها و قلم به دستان ما، در دید و قضاوت و مطالعه علاقه مندان قرار دارد. منظور ما حالا، نه ارایه اینگونه معلومات تاریخی است و نه ظرفیت این نوشته ایجاب می کند تا این داستان را از سر بگیریم. آنچه در زیر می خوانید معلومات کوتاهی در باب ولسوالی لعل و سر جنگل است که یکی از ولسوالی های درجه اول - از نظر نفوس و وسعت - ولایت غور است و حیثیت دروازه ورودی را از سمت کابل و از نواحی مناطق مرکزی کشور به زون غرب دارد. لعل و سر جنگل که وجه تسمیه آن از سنگ گران بهای به نام لعل گرفته شده با وسعت تقریباً ۲۸۵۰ کیلومتر مربع مساحت، در شرق ولایت غور قرار دارد و از طرف شمال به ولسوالی بلخاب و چراس، از غرب به دولتیار، از جنوب به مناطق سنگ تخت و بندر و اشترلی و از طرف شرق به ولسوالی یکاولنگ و پنجاب محدود است.



به لحاظ ساختار جیوفیزیکی به طور عموم سه رشته کوه این ولسوالی را در آغوش کشیده است. رشته کوه، بند دعاخوان، ارتفاعات مرزی یا حد فاصل لعل و سر جنگل و سلسله جبال پیتاب سر جنگل (بند کاشان) که بلند ترین نقطه اش به ۴۴۰۰ متر در اطلس قریه های افغانستان برآورد شده است. این ولسوالی بین خطوط طول البلد شرقی ۳۵/۶۵ درجه و ۴۵/۶۶ درجه و عرض البلد شمالی ۲۰/۳۴ درجه و ۵۰/۳۴ درجه قرار گرفته است. از میان دو دره آن (دره لعل و دره سر جنگل) دورشاخه بزرگ دریای هریرود که از سنگلاب و جنگلاب سرچشمه می گیرد، به کمک معاونین خرد جانبی خود تقویت شده و در شینیه دولتیار باهم یکجا می شود.

ولسوالی لعل و سر جنگل به تناسب کلیه ولسوالی های مناطق مرکزی (هزاره جات) از لحاظ اراضی ساختاری و قابل انکشاف و دورنمای روشنی دارد، ولی با این اوصاف از رهگذر اساسات در برابر رشد جمعیت ساکنان و بیلا رفتن درجه نیازمندی ها، بسیار ضعیف و ناکافی ارزیابی می شود. تقریباً ۸۵٪ نفوس این ولسوالی زراعت را به عنوان یکی از ارکان اصلی زندگی و معیشت شان انتخاب و از دو شیوه زراعت للمی و آبی استفاده می کنند که پیداوار مهم زراعتی شان را گندم، جو، جواری، شاخل، مشنگ و عدس تشکیل می دهد.

تاسیسات صنعتی از نوع کارخانه جات در این ولسوالی نیست و تولیدات شان محدود به صنایع دستی است و تقریباً ۱۶۰۰ دکان در هفت بازار جزء تاسیسات اقتصادی آن محسوب می شود.

ولسوالی لعل و سر جنگل از نظر رشد جمعیت ارقام قابل ملاحظه را ارایه می کند. بعد از انتخابات و توزیع کارت هویت، آمار نفوس این ولسوالی بالای ۱۷۰ هزار را نشان داد.

نوعیت باورهای اجتماعی این ولسوالی با پیشینه تاریخی بقیه ساکنین غور در توافق است و هنوز هم هنجارهای فولکوریکی در لابلای رسوم و عادات ساکنان این ولسوالی متبلور است و اعیاد و مصایب شان از نوع عقاید مذهبی و دینی است. تراکم نفوس و رشد جمعیت در این ولسوالی باعث ارتقای کمتی مراکز آموزشی گردیده است، تا جایکه در سطح ولسوالی ۱۰ باب مدرسه دینی، ۲۱ لیسه (دبیرستان)، ۳۶ متوسطه و ۱۹ ابتداییه با ۳۱۵۶۰ دانش آموز که تقریباً ۱۴۰۰۰ شان را دختران تشکیل می دهد مصروف تعلیم هستند. در ضمن، ۷۵۰۰ تن شاگرد با ۱۵۰ معلم از طرف مؤسسه هیئات و ۲۵ کورس از جانب مؤسسه CRS و ۲۰ کورس از طرف مؤسسه یونسکو در قسمت تعلیم و تربیه فعال می باشد. اما از لحاظ کیفی متاثر از وضعیت عمومی معارف در غور بوده، بر عدم موفقیت آن نبود درایت و کفایت سالم در رهبری ریاست و مدیریت تاثیر گذار است.

انجام مفکوره های سیاسی خود زاده جمعیت است. این ولسوالی در گذر تاریخ بستر رشد و فعالیت تعداد زیادی از احزاب سیاسی بوده است تا جایکه در ساختار تشکیلات سیاسی این ولسوالی سه مقطع از زمان (قبل از انقلاب، دوران جنگ، و بعد از انقلاب) پانزده حزب به طور علنی و سرری فعالیت داشته و برخی هنوز هم دارند. تعدد احزاب و تغییر و تبدیل قدرت در این ولسوالی، زمینه رشد عدم تمایل خدمات عامه را فراهم ساخته و در هر مقطع از زمان که دسته ای به سر قدرت آمده، نیمی از مردم تقویت و نیمی تضعیف شده اند، که یکی از ده ها علل بروز عقب ماندگی و فقر، همین نبود توازن قدرت و عدالت در این ولسوالی بوده است و هنوز هم مردم این ولسوالی از نبود امکانات اولیه که پاسخگوی نیازهای ابتدایی شان باشد رنج می برند. با آن هم مردم این ولسوالی طرفدار صلح، امنیت، معارف و وحدت ملی هستند و این حسن نیت و صلح دوستی مردم باعث شده که لعل از طرف پروسه دایاگ به نام ولسوالی صلح در رسانه اعلان گردد.

حاکمیت قانون جنگل

محمد حسن حکیمی

زمانیکه از قانون جنگل صحبت می شد، نمیدانیم که چگونه قانونی است، ولی حالا دانستم شهریکه در آن قانون جنگل حاکم باشد شیر از زور خود، پلنگ از تیزی خود، گرگ از درندگی و روبا از نیرنگ خود استفاده می کند. چیزی که متضرر می شود باشندگان آن منطقه و محیط جنگل می باشد. در جنگل هر کس هر چه از توانش باشد انجام می دهد. هر کس هر چیزی که آمد می دراند و یا بخود می برد. در قانون جنگل: باشندگان، عدالت، حقوق افراد و حاکمیت قانون مهم نیست. زور، چور و چپاول مهمترین کار جنگل می باشد. رحم و مروت چیزی است که افراد جنگل آنرا نمی شناسد. حالا در غور واقعاً قانون جنگل حاکم است. قانون زورگویی، ظلم، بی عدالتی، غارت چپاول و نیرنگ مهمترین چیزهای است که هر روز رشد می کند، قتل ها به شدت جریان دارد. فساد هر روز در حال رشد است. چپاول از مال مردم تا اموال و زمین های دولت و کمک های موسسات جریان دارد و همه نشان دهنده ی قانون جنگل است. امید واریم مقامات مسوول بخاطر بهبود اوضاع و تغییر وضعیت جدا اقدام نمایند و برای نجات مردم مسوولیت خویش را ادا نمایند.



آخرین برگ سفرنامه باران این است

محمد شریف سعیدی

با شتاب عذاب آلود از دل دود و خاک و هوای سم زده عبور می کنیم و حنجره من می تلخی می کند. سرفه می کنم به خدا سرفه می کنم. اخ و تف می کنم. آلرژی حنجره دارم. دکتر فرموده بود که آب زیاد سرد نخورم، از عطر و بوی گل نیز پرهیز کنم. حالا بیا خربیار و خاک باد و هوای مسموم بار کن. از دیدن خیابان های بی قانون، راننده های بی قانون، ترافیک بی قانون و آلودگی هوا نفرتی می شوم. بلاخره می رسم به یک رستوران که گویا درغذای خوب پختن شهره است. پیش روی رستوران جوی فاضلاب بسیار فاضلانگه جاری است. خاک و دود از زمین و دودکش موترها آمیخته می شود یا دود کباب که باعث طغیان آتش حنجره من است.

زیادی فانتزی فکر می کنم. سانتیمانثال واز این قبیل حالات و توهمات و خیالات. می روم ته کاوی. سالن شیک با دیوارهای آینه دار. می نشینیم و غذا فرمایش می دهیم. غذا و جای می آورند. هرچه بر خودم فشار می آورم که نزاکت جمع را رعایت کرده غذا بخورم نمی توانم. مرغ اشتها از قفس معده ام پریده است. جای سبزی می خورم و مقداری نان گرم.

نان چاشتن را خورده از رستوران بیرون می زنیم. خانه دخترخاله ام در دشت برچی است. و ما می روم دشت برچی. غبار چیر کرده به دشت برچی می رسم و موتر می چرخد و وارد یک کوچه خاکی می شود که از وسطش جوی فاضلاب جاری است. دو طرف جوی هم چنان چقرچقوری است که هر لحظه یوسف شده درچاه می روی و بعد بالا می آیی.

تازه می فهمم که برنامه طنز تلویزیون آریا و گب های سید همایون بی ریا در باب چقرچقوری و هوای مسموم کابل چه معنی دارد. سید همایون می گفت وقتی خارجی ها به شاق ترین نوع اعدام معکوم می شوند فرستاده می شوند به کابل تا به صورت طبیعی با تنفس کردن هوای مسموم کابل اعدام تدریجی شوند! باری در کوچه ی کج و کول در شهر شهیر کابل کجکی می روم و موتر چپ و راست خم و راست می شود

می شود موتر حواله گاه راست و گاه چپ

در چقوری چند ساله گاه راست و گاه چپ

می رود از جوی آب زرد و بوداری که می

می کند که را نواله گاه راست و گاه چپ

می روم از خویش از بوی بد و راه خراب

خانه فرزند خاله گاه راست و گاه چپ.

از هواپیما تا می شویم. عسکرها با انگشت راه خروج از بن بست را نشان می دهند و ما می رویم که داخل شویم! از در نه از درکی وارد اتاقک بارگیری می شویم. نواربارکش خراب است و چند کارگر زور می زنند که پلاستیک های تایلر دار را در روک های برقی جا کنند. می روم که چرخ دستی بگیرم و چمدان ها را در آن بگذارم. پیش تر از من دو نفر دیگر کارها را جور می کنند. یکی ساک ها را می گیرد و دیگری چرخ را. درست سه قدم همراهی ام می کنند و پول می خواهند. چیزی که در دست شان می گذارم همراه یکی از ایشان راهی در خروجی می شوم. آفتاب خفیفه کاری می کند. مردمان زیادی آنسو ترک نرده های آهنی چشم به راه مسافران شان هستند. من هنوز حس خاصی ندارم فقط فکر می کنم جایی آمده ام که کمتر خودم را بیگانه احساس می کنم. می رسم به نرده های خروجی و منتظران ظهورم را می بینم. احمد برادرم دوسال بزرگتر از من است. یازده فرزند دارد. اگر خودش غیب شود می شود گفت احمدغایب و یازده فرزند برحقی از خانواده ما هستند. احمد را می بینم، سیاه چرده است کلاه سفید یا دیواره بلند دارد و ریشش به هیات قیف نوک دراز درآمده است. بغل کثی می کنیم. غم آمیخته باشادی درلحنش هویدا است. پیرتر از تصور من است. نگاه می کنم به یک گروه پسر و دختر که هیچ کدامشان را نمی شناسم. فرزندان برادرم که روزی سه، چار، پنج، شش، هفت، ساله بودند حالا شده اند هیجده، نوزده، بیست، بیست و یک ساله. یکی یکی مانده نباشی شان می کنم و حساب شان از پیشم گدود می شود. زن برادرم که بوله ام هم می شود راهمراه با خواهرش می بینم. صورت شان چین و چروک شده است پیری عجیبی از زیر پوست شان جیغ می کنند. اولین تصویر اندوه ناک همین است. کسانی را که جوان و پرشور دیده بودم پیر و فرتوت و شکسته می بینم. درمن کسی فریاد می زند که در این وطن چه برسر آمدها آمده است

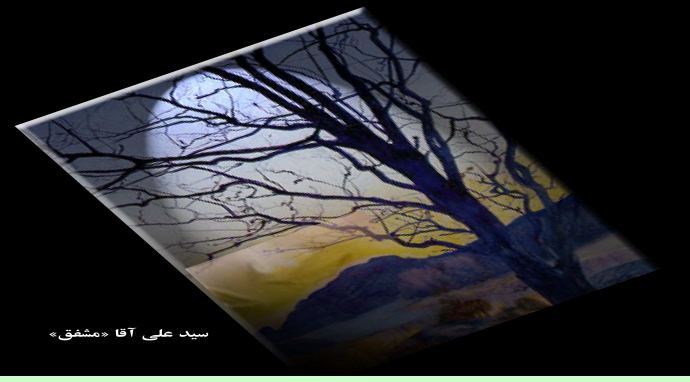
چه آمده به سرما چه با شما رفته است

که نام عشق چون نامی زیاد ها رفته است.

همه خوشحالند و من دق وید و گرفته هستم. همراه گروهی از کودکان و بزرگسال راهی مو همه خوشحالند و من دق وید و گرفته هستم. همراه گروهی از کودکان و بزرگسال راهی موتر می شویم.

گدا ها هم دنبال ما. سوار موتر می شویم و می رویم به سمت مرکز شهر کابل. شهر شلوغ است با موترهای سواری، موترهای نظامی، موترهای باری، دوچرخه ها، موترسیکل ها، خرگادی ها، آدم گادی ها و حضورگرم حیوانات که انظر الی الابل کیف خلقت. و ان انکر الاصوات لصوت الحمیر والغنم والبقر الی ماشالله. شهرنگو صحرای محشر بگو. راننده ها با هر سرعت که دلشان بخواهد با هر قسم پیچ و تابی که دلشان بخواهد و با هر مقدار هارن و بوقی که توانشان بکشد به مسابقه اند. از این نوع رانندگی هم هراس دارم. وقتی قانون رانندگی را بلد نباشی نشستن کنار راننده کیف آور است. از سرعت لذت می بری و از پیچ و تاب ها و جمپ و جول هایش لذت می بری. اما وقتی در سویدن برای گرفتن گواهی نامه رانندگی دوسال قانون خوانده باشی و پنج هزار سوال را جواب داده باشی و چهار هزار دالر هزینه پرداخت کرده باشی و برای یک تخلف کوچک شش ماه گواهی نامه ات را از توپس گرفته باشی و پنج صد دالر هم جریمه ات کرده باشد. نشستن کنار راننده وطنی عذاب دوزخ است. هر دفعه که راننده سرعت رامی شکنند، ترمز می گیرد، می چرخد، تغییر مسیری دهد و مانور می کند تو می فهمی که چه اشتباهات می کند و چه اندازه با جان و جهان آدمی بازی می کند. شهر بی قانون برای آدم های نادان بهشت است و برای دانایان دوزخ. (توجه دارید که چه آدم های دانای کلی در این جهان هستند که با خواندن چند کتاب در باره قوانین رانندگی دانشمند می شوند آنسان ضمیر اول شخص این نوشته) ادامه

هوای آبی لبخند



هوای آبی لبخند چاپ شد

« هوای آبی لبخند» مجموعه شعری سید علی آقا مشفق، شاعر جوان و پرکار غوری به چاپ رسید. روز شنبه ۳۱ اردیبهشت (ثور) به همین مناسبت در ولسوالی لعل و سرچنگل به ابتکار دارالمعلمین، اندیشه جوان، نهادمدنی کوثر و انجمن خیزش جوانان محفل باشکوهی برگزار گردید و از فعالیت های فرهنگی مشفق تجلیل به عمل آمد. هوای آبی لبخند، در ۲۱۸ صفحه و با تیراژ ۱۰۰۰ جلد و با قطع و صحافت مرغوب توسط انتشارات سعید، در کابل به چاپ رسیده است. قابل یادآوری است که پیش ازین نیز، یک مجموعه شعری به نام «جوانه های خسته» از همین شاعر به چاپ رسیده بود و اثر دیگری در عرصه روش های تعلیم و تربیه و راهنمای معلم از وی آماده چاپ می باشد.

مسابقه سیرت النبی برگزار شد

انجمن اصلاح و معرفت غور در ماه ثور مسابقه معلوماتی در مورد سیرت النبی برگزار ساخت. در این برنامه حدود ۷۰۰ تن از جوانان اشتراک کرده بودند که اکثریت آنها توانستند بیشتر سوالات را حل نمایند. در این مسابقه به تعدادی از پسران ممتاز و دختران جوایز ارزشمندی نیز از طرف انجمن تهیه و طی یک محفل باشکوه توزیع گردید.

قابل یادآوری است که این یکی از فعالیت های انجمن اصلاح است و در آینده فعالیت های بیشتری از طرف این نهاد انجام خواهد یافت.



ای سینه نامه الهی که تویی
وی آینه جمال شاهی که تویی
بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست
از خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی
مولانا

صاحب امتیاز:

ارگان ملی واجتماعی جوانان غور

مدیر مسئول:

نبی ساقی

سر دبیر:

محمد حسن حکیمی

خبرنگار:

تیمور شاه احمدی

دیزاین:

خان محمد سیلاب

تصویر و عکس:

سید علی مشفق، دین محمد شکیب

گروه نویسندگان:

magazine21@yahoo.com

آدرس الکترونیکی:



۰۷۰۶۸۸۱۲۶۶

۰۷۹۸۲۲۰۱۲۲ /

۰۷۰۳۴۴۵۲۱۵

تیراژ: ۲۰۰۰ شماره

تمویل کننده: USAID

دفتر ماهنامه ۲۱

آدرس: دفتر ارگان ملی واجتماعی جوانان غور -